

آیا تصرف سفارت امریکا

در حمله عراق به ایران تأثیر داشت؟

محمد درودیان

علل وقوع جنگ ایران و عراق تاکنون بر اساس ملاحظات و مفروضات متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته است. تصرف سفارت امریکا در تاریخ ۱۳ آبان ماه سال ۱۳۵۸ همواره به عنوان یکی از عوامل مؤثر در حمله عراق به ایران مورد تأکید قرار می‌گیرد. این موضوع بیشتر از آن که در سالگرد آغاز تجاوز عراق به ایران مورد بحث قرار گیرد، هم‌زمان با سالگرد تصرف سفارت امریکا طرح می‌شود. در واقع نوعی پیوستگی در تبیین و تحلیل علت وقوع جنگ با حادثه تصرف سفارت امریکا شکل گرفته است. ماهیت رویکرد، سیاسی و بر اساس انتقاد از رفتار خارجی ایران استوار است. در این تحلیل فرض بر این است که تصرف سفارت امریکا منجر به انزوای بین‌المللی ایران و در نتیجه بهره‌برداری عراق از این حادثه برای حمله به ایران شد.

به عنوان مثال در این زمینه منصور فرهنگ استاد علوم سیاسی دانشگاه و رمان امریکا در مصاحبه با رادیو امریکا می‌گوید: «گویاترین سمبل فکر و عمل (امام) خمینی در روابط خارجی، گروگانگیری دیپلماتهای امریکایی بود که به انزوای ایران و حمله عراق به ایران منجر شد و راه آن حمله راهموار کرد...»^(۱)

دکتر رجایی خراسانی نماینده پیشین ایران در سازمان ملل در میزگرد دانشگاه علم و صنعت می‌گوید: «ما افکار بین‌المللی را علیه خودمان تحریک کردیم و با این کار در تنگنا قرار گرفتیم که برایمان گران تمام شد. اثر دیگر آن تأیید جنگ ایران و عراق از طرف امریکا بود که مشکلات اقتصادی و سیاسی بسیاری را برای ما به وجود آوردند هر چند در آن زمان مردم ما به شدت از گروگانگیری حمایت کردند». وی اضافه می‌کند: عملکرد ما در اشغال سفارت باعث شد که در سازمان ملل در رابطه با محکومیت عراق در حمله به ایران تنها رأی موافق و ۱۸ رأی ممتنع به ما داده شود و بقیه اعضا با ما مخالفت کنند.^(۲)

در میزگرد بررسی تصرف سفارت امریکا که آقایان رجایی خراسانی، میردامادی و دکتر هادیان حضور داشتند، این موضوع به چالش کشیده شد چنانکه در پاسخ به دکتر رجایی خراسانی، آقای میردامادی می‌گوید: «بستر جنگ ایران و عراق هم در قرارداد الجزایر بود و اختلاف ارضی. آن قرارداد به علت ضعف عراق کلاً به نفع ایران تمام شد و از همان زمان عراق به فکر انتقام از ایران بود». دکتر هادیان خطاب به آقای میردامادی می‌گوید: «شما شناختی از امریکانداشتید و وقتی از دیوار سفارت بالا می‌رفتید به عواقب و پیامدهای آن فکر نمی‌کردید، شما می‌توانستید به جای اشغال سفارت روابط دیپلماتیک را با امریکا قطع کنید». وی همچنین خطاب به رجایی خراسانی می‌گوید: «من اعتقاد ندارم که حمله عراق به خاطر اشغال سفارت بوده است. اما موضع ضعیف ایران در این موضوع بی‌تأثیر نبوده است.»^(۳) دکتر علی مطهری در جمع دانشجویان دانشکده صنعت هوایمایی کشور ضمن اشاره به این موضوع که اگر شهید مطهری زنده بود با تسخیر لانه جاسوسی به آن صورت ۴۴۰ روز مخالفت می‌کرد و اصلاً اجازه نمی‌داد این کار انجام شود؛ این پرسش را طرح می‌کند: «آیا جنگ عراق علیه ایران بر پایه همین (گروگانگیری) نبود؟ وقتی ایران منزوی و در دنیا تنها شد عراق هم حمله کرد؟...»

خانم معصومه ابتکار در کتاب تسخیر که به خاطرات آن دوران اختصاص دارد می‌نویسد: «این جمله ممکن است تندرانه به نظر آید، اما توجه کنید که اشغال سفارت آشکارا بر تصمیم ایالات متحده و متحدان آن مبنی بر حمایت از حمله صدام حسین -دیکتاتور عراق - به نهال نوپای جمهوری اسلامی تأثیر گذاشت.»^(۴)

(۱) این موضوع در دو بخش بررسی شده است. بخش اول را در «سرمقاله» و بخش دوم را می‌توانید تحت عنوان: «تصرف سفارت امریکا، زمینه‌ها و عوامل مؤثر»، در زمره مقالات بخوانید.

(۲) رادیو امریکا، ۷۸/۱۱/۱۴، ارزیابی دو دهه سیاست خارجی ایران، بولتن رسانه‌های بیگانه، معاونت سیاسی واحد مرکزی خبر، ۷۸/۱۶/۱۶، صص ۱۱-۱۲.

(۳) روزنامه عصر آزادگان، ۱۳۷۸/۸/۲۴، ش ۳۲، ص ۲.

(۴) دکتر معصومه ابتکار، تسخیر، ترجمه و ویراستار، فریبا ابتهاج شیرازی، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۹، صص ۴۳-۴۲.

ترنس اسمیت در مقاله حیات گروگانها مهم تر از هر چیز به نقل از کارتر رییس جمهور وقت امریکا می نویسد: «ایرانیان به شدت آسیب پذیر شدند و من فکر می کنم همین باعث سرعت بخشیدن به تهاجم عراقیها به ایران شد»^(۱). برای تحلیل و ارزیابی انتقاداتی که در این زمینه وجود دارد باید عناصر و مؤلفه های اصلی این فرضیه را مورد نقد و بررسی قرار داد. بررسی بخشی از این نظرات بیانگر این معناست که تصرف سفارت امریکا منجر به انزوای بین المللی ایران و بهره برداری عراق از وضعیت به وجود آمده برای حمله به ایران شد. در اینجا دو حالت قابل بررسی است: نخست این که عراق قصد حمله به ایران را داشت اما انزوای ایران شرایط را برای حمله عراق فراهم کرد. دیگر این که تصرف سفارت امریکا موجب حمله عراق به ایران شد. در مورد اول، تصرف سفارت، زمینه ساز حمله عراق معرفی می شود ولی در مورد دوم، تصرف سفارت خود سبب ساز و عامل حمله عراق به ایران ارزیابی می شود. با طرح چند پرسش زیر می توان موضوع را بررسی کرد: آیا اگر ایران سفارت امریکا را تصرف نمی کرد، از نظر بین المللی دچار انزوای نمی شد؟ و در نتیجه، عراق به ایران حمله نمی کرد؟ به عبارت دیگر در صورتی که ایران سفارت امریکا را تصرف نمی کرد عراق از تجاوز به ایران منصرف می شد؟

نظر به این که موضوعات و پرسشهای فوق مورد توجه کسانی قرار گرفته است که خود در تصرف سفارت امریکا نقش محوری داشتند؛ اظهاراتشان در مورد آن نیز قابل توجه است: آقای میردامادی در گفت و گو با عصر ما می گوید:

«بعد از انقلاب، عراق کاملاً شرایط را مساعد می دید که این حمله را که سالها برای آن برنامه ریزی کرده بودند انجام دهد. در حدود یک دهه صدام ارتشی را آماده کرده بود و منتظر فرصت بود که ایران در شرایط ضعف باشد تا حمله کند و مطامع مورد نظر خود را بتواند به دست بیاورد. این موضوع، کم اطلاعی خیلی را می رساند تا اظهار کنند: حمله عراق به دلیل اشغال لانه بود. اگر لانه هم اشغال نمی شد حمله عراق انجام می شد؛ اتفاقاً در اسناد مربوط به سالهای آخر حکومت شاه که در لانه جاسوسی به دست آمده این مطلب را می توان دید که: «قدرت نظامی عراق به شدت رو به افزایش است و اگر به همین روند پیش برود و درگیری نظامی بین ایران و عراق پیش بیاید، عراق پیروز جنگ خواهد بود. این تحلیل سفارت امریکا در زمان شاه بود». وی سپس اضافه می کند: «بعد از انقلاب که ارتش متلاشی شده بود و هنوز یک نیروی نظامی جدید شکل نگرفته بود، عراق موقعیت خوبی برای این حمله به دست آورد. این را می توان گفت که شاید اشغال سفارت تا حدی باعث شده بود که یک حمایت دیپلماتیک قوی هم در سطح بین المللی نداشته باشیم ولی دلیل جنگ این نبود».

وی در این گفت و گو به نکته دیگری اشاره می کند که به دلیل اهمیت آن؛ نویسنده این مقاله طی یک گفت و گوی اختصاصی با دکتر یزدی، موضوع را به بحث گذاشته است.^(۲) برخی کسانی که از نقش تصرف سفارت امریکا در شروع جنگ صحبت می کنند در واقع با این ذهنیت موضوع را ارزیابی می کنند که ایران پس از پیروزی انقلاب در صدد بازسازی روابط خود با امریکا بود و در صورت تحقق آن، عراق اگر هم مایل به جنگ بود از تصمیم خود منصرف می شد.^(۳) این تحلیل گرچه به این صراحت بیان نمی شود ولی در ذهن برخی از افراد وجود دارد. دکتر میردامادی در باره چنین تصویری می گوید: «اگر ایران مورد حمایت امریکا هم بود و عراق احساس می کرد توان حمله را دارد و می تواند از نظر نظامی موفق باشد، قطعاً این کار را می کرد».^(۴)

آقای ابراهیم اصغرزاده نیز در گفت و گو با اسکات مک لئود همین معنارابه گونه ای دیگر بیان می کند: «بعضیها در ایران معتقدند که جنگ هشت ساله نتیجه مستقیم تصرف سفارت امریکا است و به خاطر این معتقد هستند ماضیهای زیادی دادیم. اما من معتقدم که اگر سفارت امریکا هم تصرف نمی شد باز هم عراق به ایران حمله می کرد».^(۵) وی در جای دیگری در همین زمینه می گوید: «ارتشی که عراق در حال آماده کردن [اش] بود تنها برای رویارویی با اسرائیل نبود بلکه جهت عملیات در خلیج فارس هم بود». جالب است که این تحلیل در اسناد سفارت امریکا در تهران هم وجود داشت.^(۶) یکی دیگر از دانشجویان پیرو خط امام با اشاره به این اسناد می گوید: «در یکی از اسناد امریکا، که در سفارتشان موجود است، تحلیل شان از آرایش نظامی عراق این است که عراق این ارتش را فقط برای حمله به ایران طراحی می کند نه برای حمله به اسرائیل. دیر یا زود عراق این کار را انجام می دهد».^(۷) محسن امین زاده نیز در پاسخ به این پرسش که چرا قائل به ارتباط میان تصمیم صدام برای حمله به ایران و اشغال لانه جاسوسی نیستید؟ می گوید: «صدام دلایل مهمی برای حمله به ایران داشت

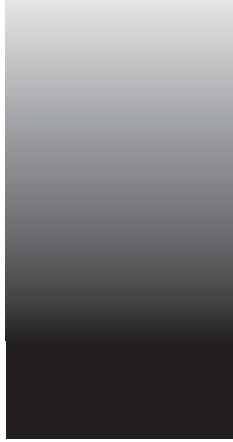
(۱) امریکا در اسارت، گردآورنده: ادوارد کلن، مترجمین: پوران خاور، سرور طلیعه، انتشارات قلم، زمستان ۶۲، صص ۱۷۴.

(۲) مراجعه شود به کتاب پاسخ های جلسه شد.

(۳) عصر ما، ۱۳ آبان ۱۳۷۷، سال پنجم، ش ۱۰۷، ص ۹.

(۴) همان. (۵) روزنامه عصر آزادگان، ۲۰ آبان ۱۳۷۸، ش ۲۹، ص ۵. (۶) روزنامه شرق، ۱۳ آبان ۸۳، ص ۱۹.

(۷) روزنامه یاس نو سیاسی، ۱۳/۸/۸۳، ص ۷.



شرایط ارتش مادر ماههای پس از انقلاب وی را به انجام حمله تشویق کرد.^(۱)

به نظر می‌رسد رویکرد موجود در بررسی وقوع جنگ با تأکید بر نقش و تأثیر تصرف سفارت امریکا، یک رویکرد درونی و متأثر از ملاحظاتی سیاسی و بدون توجه به سیاستهای عراق طرح می‌شود. زیرا وقوع جنگ برآیند دست کم دو یا چند اراده و وجود زمینه‌ها و عوامل مختلف است. ثانیاً عراق اراده جنگ داشت و این موضوع متأثر از عوامل مختلفی بود. به عبارت دیگر محرک اصلی عراق برای حمله به ایران مسائلی بود که در یک روند دراز مدت شکل گرفته و در جریان بود. برابر اظهارات دکتر یزدی وزیر امور خارجه وقت دولت موقت، ۱۰ روز قبل از تصرف سفارت امریکا، رییس ایستگاه سیاد در ایران در ملاقات با وی (دکتر یزدی) از نیت عراق در حمله به ایران پرده بر می‌دارد که با تصرف سفارت امریکا و تغییر معادلات موجود؛ عراق از عملی کردن تصمیم خود در آن زمان خودداری کرد. به علاوه انزوای بین‌المللی ایران، پیش از آن با پیروزی انقلاب و به چالش گرفتن منافع امریکا در ایران و منطقه ایجاد شده بود. انقلاب داعیه تغییر وضع موجود را داشت و انقلابیون نسبت به ماهیت نظام سلطه منتقد و معترض بودند. چالش موجود در واقع سبب شده بود نظام بین‌المللی برای مقابله با انقلاب و اعاده نظم پیشین از وحدت نظر و اجماع در واکنش برخوردار باشد. با وجود این، ادعای انزوای بین‌المللی ایران بر اثر تصرف سفارت امریکا و نقش آن در شروع جنگ چندان قابل قبول به نظر نمی‌رسد، ضمن این که جنگ عراق علیه ایران طی یک روند طولانی مدت شکل گرفته بود. تصرف سفارت امریکا در این روند عامل آغاز جنگ علیه ایران نبود بلکه زمینه هم‌سویی امریکا و عراق را فراهم کرد.

با فرض پذیرش این احتمال که عراق در صورت عدم تصرف سفارت و حتی بهبود روابط ایران و امریکا به ایران حمله می‌کرد می‌توان تأثیرات تصرف سفارت امریکا را در ایجاد شرایط مناسب از جمله، انسجام سیاسی و آمادگی ذهنی برای مقابله با عراق مورد بررسی قرار داد. وضعیت داخلی کشور و تهدیدات خارجی در دوره ۱۰ ماهه پس از تصرف سفارت امریکا تا شروع جنگ مخاطره آمیز بود. تلاش برای استقرار نظام از داخل و خارج با موانع و چالشهای اساسی مواجه بود. رهبر انقلاب، امام خمینی (ره) با مشاهده شرایط موجود، مردم را برای مقابله با تهدیدات احتمالی و خطرات موجود از نظر ذهنی و روحی آماده کرد. حتی فرمان تشکیل بسیج برای سازمان دهی مردم در قالب ارتش ۲۰ میلیونی، با هدف ایجاد بازدارندگی در همین دوره و در برابر تهدیدات امریکا و پس از جابه‌جایی ناوگان امریکا در خلیج فارس انجام شد. «بعضیها معتقدند اگر آن اتفاق نمی‌افتاد بحرانی در نسل جوان آن روز به وجود می‌آمد که شاید باعث اضمحلال و فروپاشی می‌شد. آن طرف قضیه را هم باید در نظر گرفت، که روی دادن آن واقعه و آن همه استقبال و دفاعی که از آن شد آثار روانی بسیار زیادی داشته که اصلاً نمی‌توان نادیده گرفت. بنابراین چه بسا ممکن بود اگر آن اتفاق نمی‌افتاد در حوزه روابط داخلی به اضمحلال کشیده می‌شدیم.»^(۲) آقای میردامادی نیز ضمن اشاره به این که تصرف سفارت امریکا توانست جلوی تشنگی‌ها را بگیرد و وحدت ملی به وجود آورد و با تقویت و تعمیق بُعد ضد استعماری انقلاب، امکان تهدید خارجی و ضربه زدن به نظام جدید و آسیب پذیری آن را به حداقل رساند،^(۳) می‌گوید: «اگر اشغال لانه نبود سرنوشت جنگ فرق می‌کرد و عراق در حمله نظامی خودش موفق بود، به دلیل این که اشغال لانه جاسوسی شور انقلابی را دوباره در مردم زنده کرد و مردم دوباره در مسیر تداوم انقلاب قرار گرفتند.»^(۴)

این توضیح ناظر بر این معناست که پیامدهای تصرف سفارت امریکا در داخل کشور به تقویت انسجام درونی و ایجاد روحیه مقاومت در مردم برای مقابله با تهدیدات و از جمله تجاوز خارجی منجر شد. چنانکه اگر نیروی مردمی در برابر ارتش عراق به مقاومت برخاست و زمینه‌های ناکامی ارتش عراق را فراهم ساخت، ریشه‌های آن را باید در حادثه تصرف سفارت امریکا جست و جو کرد.

علاوه بر این، پیامدهای تصرف سفارت امریکا در ابعاد بین‌المللی با توجه به موقعیت انقلابی ایران و اهداف و شعارهایی که در حمایت از مستضعفان و مبارزه با قدرتهای استکباری مطرح می‌شد، بسیار با ارزش و حایز اهمیت است. متأسفانه امروز با تغییر شرایط و معیارها، نقد و بررسی حادثه تصرف سفارت امریکا بیشتر در چارچوب تأثیر آن بر وقوع جنگ یا بن بست در روابط ایران و امریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد. حال آن که جا دارد با توجه به شرایط و موقعیت انقلابی ایران به این موضوع نگرینسته شود. در همین زمینه آقای اصغرزاده می‌گوید: «این حادثه بلافاصله ما را در یک موقعیت، با پرستیژ مناسب قرار داد. ما در آن زمان مدام مورد تحقیر از سوی امریکاییها قرار می‌گرفتم و حادثه تسخیر ما را در موقعیتی بین‌المللی قرار داد که قابل نادیده گرفتن نیست. این حادثه استیصال امریکارا به نمایش گذاشت و همین استیصال خود یک دستاورد بزرگ بود.»^(۵)

(۱) روزنامه شرق، ۱۳ آبان ۱۳۸۳، ص ۱۴.

(۲) روزنامه یاس نویسیاسی، ۱۳/۸/۱۳۸۲، ص ۷. مصاحبه با آقای عبدی ۲۸ مهر سال ۱۳۸۰.

(۳) عصر ما، ۱۳ آبان ۷۷، سال پنجم، ش ۱۰۷، ص ۹.

(۴) روزنامه شرق، ۱۳ آبان ۱۳۸۳، ص ۴.

(۵) روزنامه شرق، ۱۳ آبان ۱۳۸۳، ص ۱۹.